نشریه علمی مطالعات انقلاب اسلامی
دوره ۱۸، زمستان ۱۴۰۰، شماره ۶۷
مقاله علمی ـ پژوهشی
صفحات: ۱۸۰ ـ ۱۵۹

Scientific Journal
ISLAMIC REVOLUTION STUDIES
Vol. 18, Winter 2022, No. 67
Scientific Research Article

# تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب در عرصه پیوند عقلانیت و معنویت با تأکید بر تبیین قرآنی آن

ابوذر رجبی*
مژده نوروزی**

## چکیده

عقلانیت و معنویت دو عنصر اساسی در بیانیه گام دوم هستند که مقام معظم رهبری از آنها به‌عنوان شعارهای جهانی انقلاب یاد کرده اند. وجه آن در فطری بودن آن و تضاد با مدل‌های دیگر است. از سویی انقلاب اسلامی با محوریت جریان عقلانیت اسلامی رهبری شد. این جریان که تا به امروز محور اساسی انقلاب اسلامی، عقلانیت و معنویت را از ارکان دانسته و بر ترابط این دو تأکید دارد. عقلانیت انقلاب اسلامی معنویت‌گرا و معنویت آن خردپذیر است. ترابط این‌چنینی برآمده از باورهای قرآنی و روایی بوده و انقلاب اسلامی در عصر کنونی به احیای این آموزه قرآنی پرداخته است. نیز از سویی عقلانیت دینی به‌دنبال تعالی انسان بوده و از طرف دیگر بنیان این عقلانیت، معنویت دینی است و بدون تربیت و خودسازی در دامن آموزه‌های اسلام ناب هیچ‌گاه شکل نمی‌گیرد. نوشتار حاضر با رویکردی توصیفی تحلیلی درصدد بازکاوی ترابط عقلانیت و معنویت در منظومه فکری مقام معظم رهبری برمبنای بیانیه گام دوم است.

## واژگان کلیدی

بیانیه گام دوم، عقلانیت و معنویت، عقلانیت و معنویت قرآنی، مقام معظم رهبری.

---

*. دانشیار گروه مبانی نظری، دانشگاه معارف اسلامی، قم. abuzar_rajabi@yahoo.com
**. دانشجوی دکتری مدرسی مبانی نظری اسلام، دانشگاه تهران، تهران. (نویسنده مسئول) m.noruzi630@gmail.com
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۵ تاریخ پذیرش:۱۴۰۰/۱۰/۱۷

### ۱. طرح مسئله

در مکتب تشیع، عقل پیوند وثیقی با درگاه الهی دارد و عقلانیت که امری مبارک است، در صدر عبادات قرار دارد. به‌گونه‌ای که عقل «ما الهمه الله» است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ الف: ۱۳) قرآن تعبد را موجب معنویت و نورانیت درون می‌داند. (آل‌عمران / ۲۰) این تعبد اولاً بدون عقلانیت و بهره بردن از نصایح عقل امکان‌پذیر نیست و یا اینکه بسیار شکننده است. ثانیاً خود تعقل، در زمره عبادات شمرده شده است. این بدین معناست که خردورزی به رشد معنویت مؤمنین کمک می‌کند. تفاوت کتاب مقدس مسلمین یعنی قرآن کریم با دیگر کتاب‌های آسمانی در اهمیت بر خردورزی است. در قرآن کریم حدود سیصد آیه انسان را به تدبر و تفکر و تعقل دعوت می‌کند. عقل، در کنار کتاب و سنت، جزء منابع دین است؛ بسیاری از کتاب‌های روایی شیعه با ***کتاب العقل و الجهل*** آغاز می‌شوند. نمونه واضح آن روایت دوازدهم از اصول کافی است که از امام کاظم‌علیه‌السلام در بیان خصوصیات عقل نقل شده است و به صراحت می‌توان آن را مهم‌ترین سند برای دفاع از عقلانیت دینی شمرد. در این روایت، امام به تفصیل به یکی از صحابه خود (هشام بن حکم) ویژگی‌های عقل را برمی‌شمرند و به مباحث مهم قرآنی درباره عقل و ابعاد مختلف عقلانیت دینی و ازجمله پیوند عقلانیت و معنویت اشاره می‌کنند. امام در این روایت عقل را رسول الهی و حجت خدا معرفی می‌کنند، البته رسول و حجتی باطنی. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۶) این تعبیر زیبا بر اهمیت عنصر خردورزی در انسان دلالت دارد. همین که امام بیان می‌دارند که خداوند دو حجت ظاهری و باطنی برای انسان قرار داده است و عقل نقش حجت باطنی را دارد، دلالت محتوایی روایت بر عقلانی و معنوی بودن دین الهی دارد. چراکه خدا که مراد معنویت دینی است، عقل را حجت قرار داده است. امام رضاعلیه‌السلام نیز عقل را حجت خدا بر بندگان خود معرفی می‌کنند، زمانی که ابن‌سکیت از آن حضرت سؤال کرد: «حجت خداوند بر بندگانش چیست؟» آن حضرت فرمود: «عقل؛ زیرا با عقل است که می‌توان کسانی را که معارف خدا را صادقانه می‌گویند، از کسانی که بر خدا دروغ می‌بندند، بازشناخت؛ و دسته اول را تصدیق و دسته دوم را تکذیب کرد.» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۴۵۰)

آن حضرت در سخنی دیگر، معیار عبودیت و عبادت حضرت حق را به‌جای کثرت نماز و روزه، کثرت تفکر در کارهای خداوند دانستند:

> لَيسَتِ الْعِبَادَه كثْرَة الصِّيامِ وَ الصَّلَاة وَ إِنَّمَا الْعِبَادَه كثْرَه التَّفَكرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ. (همان: ۴۴۲)
> عبادت به روزه و نماز فراوان نیست؛ بلکه عبادت به کثرت تفکر در امور الهی است.

در این تحقیق فرض بر این است که براساس متون و اندیشه‌های ناب اسلامی، عقلانیت و معنویت

پیوندی دوسویه و تنگاتنگ با هم دارند، به‌گونه‌ای که نمی‌توان آنها را بدون هم جامع و کامل دانست. قرآن معنویت را عقلانی دانسته و خردمندان را به آن دعوت کرده است. عقلانیتِ دین‌محور، آدمی را به امور معنوی و عبادی می‌کشاند و روح عقلانیت دینی از معنویت تشکیل شده است. این عقلانیت و معنویتِ برآمده از اسلام ناب، تحولات عظیمی را در سطح اجتماعی به‌دنبال دارد. در دوران کنونی نیز انقلاب اسلامی، به رهبری امام خمینی، برگرفته از تعالیم ناب شیعی و حاوی فقه و حکمت و عرفان بوده است. به تعبیر رهبری معظم، مکتب امام، شامل عقلانیت، معنویت و عدالت است. (بیانات رهبری، ۱۴ / ۰۳ / ۱۳۹۰) که ریشه این سه به همان آموزه‌های شیعی درباره عقل برمی‌گردد.

رهبر معظم انقلاب که بهترین مفسر مکتب امام است، در تبیین الگوی ایرانی ـ اسلامی پیشرفت نیز بر دو موضوع معنویت و عقلانیت تأکید جدی دارد. به‌علاوه در تمدن‌سازی و ایجاد عدالت اجتماعی، عدالت و معنویت را از شاخصه‌های مهمی می‌دانند که بدون عقلانیت و معنویت تحقق آن امکان‌پذیر نمی‌باشد. این موارد در گام دوم نیز برجسته شده است، به طوری که از آنها به‌عنوان شعارهای انقلاب که فطری و همیشگی بشریت‌اند، تعبیر نموده‌اند. (بیانیه گام دوم، ۲۲ / ۱۱ / ۱۳۹۷)

از اینجا ضرورت و اهمیت این پژوهش مشخص می‌گردد، عقلانیت و معنویت با هم و در کنار هم فرد و جامعه را در رسیدن به اهداف قریب، متوسط و هدف نهایی ـ که هدف انقلاب و نظام اسلامی نیز همین اهداف است ـ می‌رسانند. بنابراین لازم است که برای رسیدن به عدالت اجتماعی، تمدن‌سازی، جامعه‌سازی، تشکیل دولت اسلامی، سبک زندگی اسلامی و ... رابطه و تعامل عقلانیت و معنویت بررسی گردد تا مشخص گردد که به‌عنوان نمونه عقلانیت تمدن‌ساز عقلانیتی است که در سایه دین تربیت و تکامل معنوی یافته و بتواند انسان را به اهداف والا برساند یا معنویتی که می‌تواند در بخش‌های متعدد اقتصادی، سازمانی، کار و تولید، اثربخش باشد، معنویت با پایه‌های عقلانی است که از گونه‌های دیگر معنویت همانند معنویت متحجر و ستم‌پذیر، متمایز است.

این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و با مراجعه به منابع موجود و مرتبط و با شیوه توصیفی ـ تحلیلی در اندیشه رهبری انقلاب، به بررسی پیوند عقلانیت و معنویت به‌عنوان شاخصه‌های اساسی گام دوم انقلاب و مکتب انقلاب می‌پردازد.

## ۲. مفهوم‌شناسی

قبل از ورود به بحث اصلی، به جهت درک صحیح از کلیدی‌ترین مفاهیم پژوهش، به بیان مفاهیم اصلی پژوهش پرداخته می‌شود.

**۲ـ۱. عقل**

معانی فراوانی برای عقل در کتاب‌های لغت آمده است. مانند: نهی، بازداشتن، جلوگیری کردن، امساک، منع، فهم، تدبر، درک و معرفت. عقل با برخی از واژه‌های دیگر هم‌نشین و هم معنا است. واژه‌هایی چون قلب، لب، حجی. (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۴ / ۶۹؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۱۱ / ۴۵۸؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۵ / ۴۲۵؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۵ / ۲۸)

این واژه مأخوذ از عقال به معنای طنابی است که به‌وسیله آن پای شتر را می‌بندند و او را از حرکت باز می‌دارند. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۷۷) معمولاً در کتاب‌های کلامی، فلسفی، اصولی و تفسیری به تعریف اصطلاحی عقل اشاره می‌شود. برخلاف لغت عقل که معانی روشنی از آن ارائه شده، تعریف واحد و قابل اشتراکی در اصطلاح عقل از سوی متفکران ارائه نشده است. شاید یکی از دلایل آن را بتوان کاربردهای مختلف عقل و اصطلاحات متعدد آن ذکر کرد. (صدرالدین شیرازی، ۱۹۸۱: ۳ / ۵۱۴ ـ ۵۱۳) برخی از کتاب‌های اصولی عقل را به معنای ادراک به‌کار برده‌اند. (غزالی، بی‌تا: ۱ / ۱۷ ـ ۱۶) برخی عقل را نیرویی می‌دانند که آدمی به‌واسطه آن، صلاح را از فساد، حق را از باطل و صدق را از کذب تشخیص می‌دهد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱ / ۴۱۲)

عده‌ای عقل را همان نفس ناطقه‌ای دانسته‌اند که هر کسی با لفظ من به آن اشاره می‌کند. (شریف جرجانی، ۱۴۰۳: ۱۵۲ ـ ۱۵۱) به اجمال می‌توان در باب تعریف اصطلاحی عقل گفت که گاهی این واژه معنای مصدری، به معنای درک کامل چیزی، و گاهی هم معنای اسمی به معنای روح و نفس دارد. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱ / ۳۱۰)

عقل در نگاه مشهور متفکران اسلامی به معنای نیروی شناخت، معرفت و درک حقائق آمده است. علامه عقل را به معنای بستن و گره زدن می‌داند، به همین جهت ادراکاتی هم که انسان دارد و آنها را در دل پذیرفته و پیمان قلبی نسبت به آنها بسته، عقل نامیده‌اند. همچنین، مدرکات آدمی و آن قوه‌ای را که در خود سراغ دارد و به‌وسیله آن خیر و شر و حق و باطل را تشخیص می‌دهد، عقل نامیده‌اند. در مقابل این عقل، جنون، سفاهت، حماقت و جهل قرار دارد که مجموع آنها کمبود نیروی عقل است، و این کمبود، به اعتباری جنون، به اعتباری سفاهت، به اعتباری حماقت، و به اعتباری دیگر جهل نامیده می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲ / ۲۴۷) شهید مطهری در آثار خود فراوان از این اصطلاح استفاده کرده و آن را به معنای درک و فهم و نیروی تجزیه و تحلیل امور می‌داند. ایشان در تعبیری عقل را به چراغی تشبیه می‌کند که سوخت آن علم است. (مطهری، ۱۳۹۰: ۲۴ / ۵۲۴)

مقام معظم رهبری واژه عقل را در تعابیر متعددی در فرایند پیشرفت، جامعه‌سازی و تمدن‌سازی

بیان نموده‌اند و قائل به کارکرد همه انواع آن هستند. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۴۲۶؛ بیانات رهبری، ۲۹ / ۰۶ / ۱۳۶۹؛ همو ۲۹ / ۴ / ۱۳۸۸؛ ۲۹ / ۰۴ / ۱۳۸۸؛ ۳۱ / ۰۶ / ۱۳۷۰؛ ۲۳ / ۰۷ / ۱۳۹۱؛ ۱۱ / ۰۲ / ۱۳۹۲؛ ۱۹ / ۰۷ / ۱۳۷۷؛ ۲۹ / ۰۷ / ۱۳۷۷؛ ۲۱ / ۰۴ / ۱۳۹۳) از منظر ایشان عقل درواقع همان قوه درّاکه‌ای است که اگر در حیطه شناختی لحاظ شود، عقل فلسفی و خرد اندیش است. این عقل نقش دراکه و تدبیرگری و استدلال‌کنندگی را برعهده دارد. (بیانات رهبری، ۲۹ / ۰۶ / ۱۳۶۹، حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۴۲۶) موارد دیگری که ایشان واژه عقل را به‌کار برده‌اند، درواقع به کارکردهای عقل عملی، ابزاری و عقل معاش اشاره نموده‌اند. (بیانات رهبری، ۲۹ / ۰۴ / ۱۳۸۸، ۳۱ / ۰۶ / ۱۳۷۰، ۲۳ / ۰۷ / ۱۳۹۱، ۲۱ / ۰۴ / ۱۳۹۳) رهبر انقلاب عقل را از ابزار و منابع مهم معرفتی معرفی می‌کنند: «یکی از منابع حجت برای یافتن اصول و فروع دینی، عقل است...» (بیانات رهبری: ۵ / ۷ / ۱۳۸۳) ایشان با استناد به حدیث شریف: «**العقل ما عبد به الرّحمن و اکتسب به الجنان**» بر این باورند که عقل راه راست را به انسان نشان داده (بیانات رهبری: ۲۹ / ۴ / ۱۳۸۳) و رهنمون به سبک زندگی اسلامی است. (بیانات رهبری: ۲۰ / ۳ / ۱۳۹۷)

### ۲ـ۲. عقلانیت

عقلانیت از نظر لغت مصدر صناعی از وصف عقلانی است و بر ثبوت وصف عقلانی برای موصوفش دلالت دارد و به معنای تبعیت کامل از تفکر و استدلال صحیح است. (فنایی اشکوری، ۱۳۸۴: ۱۱۳) در انگلیسی از آن به «Rationality» یاد می‌شود که از ماده لاتین «Ratio» مشتق شده است. (قائمی‌نیا، ۱۳۸۳: ۴) در کتب لغت متقدم به واژه عقلانیت اشاره نمی‌شود و به‌گونه‌ای می‌توان گفت از واژگان جدیدی است که در ادبیات علمی وارد شده است؛ اما از آنجا که ریشه آن از عقل به معنای متوقف کردن، منع کردن، بستن و گره زدن اخذ شده، می‌توان آن را به معنای دوراندیشی، حزیمت، خردمندی، فرزانگی، ادراک، کیاست، تشخیص و تدبیر مبتنی بر عقل دانست. اصطلاح عقلانیت بارمعنایی خاصی را در ادبیات امروز مغرب زمین دارد. ماکس وبر، یکی از مروجان عقلانیت جدید غربی، آن را این‌گونه تعریف می‌کند:

> عقلانیت به کنشی اطلاق می‌شود که در رابطه با هدف خواسته شده، وسایل متناسب برای رسیدن به آن را که در دسترس است برمی‌گزینند. چنین کنشی در انحصار هیچ رده خاصی از انسان‌ها نیست. (فروند، ۱۳۶۸: ۱۵۳ ـ ۱۵۲)

این عقلانیت انواعی دارد. در یک تقسیم آن را به سه قسم نوعی، ابزاری و کل‌نگر تقسیم می‌کنند. (قائمی‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۱ ـ ۴) قوام این دسته‌بندی قائل بودن به عقلانیت خودبنیاد است. یعنی عقلی که خود

را از ارشاد و هدایت تفکر غیبی و قدسی و وحیانی بی‌نیاز می‌داند. قطعاً این معنا از عقلانیت مدنظر ما نیست. از آنجا که عقل در منظومه فکری رهبری، قوه‌ای است که با آن انسان به تنظیم روابطش با خود، هستی و خالق آن می‌پردازد، پس عقلانیت در این تحقیق و مبتنی بر نگاه مقام معظم رهبری را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: مجموعه معرفتی نظام‌مند در ساحت بینش‌ها، باورها و نگرش‌ها مانند هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، انسان‌شناسی، دین‌شناسی و ارزش‌شناسی که به‌واسطه قوای شناختی و گرایشی فطری برای انسان حاصل می‌شود و در چهارچوب مبانی، اهداف، اصول و راهبردها با یکدیگر پیوند یافته‌اند و کاربست در عمل پیدا می‌کند.

### ۲ـ۳. دین

در تعریف دین، وحدت نظر وجود نداشته و هر متفکری از زاویه نگاه خود به تعریف آن پرداخته است.[۱] متفکران اسلامی نیز تعاریفی برای دین ذکر کرده‌اند. برخی دین را همان روش زندگی دانسته (طباطبایی، ۱۳۸۸ الف: ۲۷) و آن را به روش حق و باطل تقسیم کرده‌اند. (همو، ۱۳۸۸ ب: ۵۴) عده‌ای دیگر دین را مجموعه اموری از عقاید، اخلاق و قوانین و مقررات دانسته‌اند که «برای اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها از طریق وحی و عقل در اختیار آنان قرار دارد.» (جوادی آملی، ۱۳۸۱: ۲۷) در آثار رهبر انقلاب اسلامی، می‌توان دین را ناظر به سه تعریف عام، خاص و اخص دنبال کرد:

۱. تعریف عام از دین که مراد از آن آیینی است که افراد در اداره زندگی دارند و بنابراین تعریف، همه افراد آیین و دین دارند:

آیینی که افراد در اداره زندگی دارند دین گفته می‌شود؛ شکل زندگی را آیین و دین می‌گویند. دین و آیین یک معنا دارند؛ مثلاً آنها که در آمازون زندگی می‌کنند، دین دارند و آیین آنها هرچه هست همان دین آنهاست. البته آیینی را که خدا آورده است، آیین الهی؛ و آیینی را که غیر خدا آورده است، اگر از طرف بشر باشد آیین بشری و اگر از طرف طاغوت باشد طاغوتی می‌نامند و این بدین معناست که در هیچ جا نمی‌توان افراد را بدون دین یافت. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۲۱۷)

۲. تعریف خاص که فقط ادیان آسمانی را دین می‌نامند:

بر مبنای این تعریف دین برنامه یا مجموعه‌ای است که پیام آورنده‌ای از طرف خداوند برای بشریت می‌آورد؛ بنابراین از سوی خدا آمدن و پیام آورنده عناصر ذاتی دین هستند و قوام دین به آنهاست. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۳۸۳؛ همو، ۱۳۹۸: ۷۳۷)

---

۱. نمونه تعاریف متفکران را درباره دین می‌توان در این آثار ملاحظه کرد: الیاده، ***دین‌پژوهی***، ص ۶۸؛ پترسون و دیگران، ***عقل و اعتقاد دینی***، ص ۲۰؛ بیتس و پلاگ، ***انسان‌شناسی فرهنگی***، ص ۶۸۷

این دین متشکل از سه بخش جهان‌بینی، ایدئولوژی و مقررات فرعی و جزئی است. جهان‌بینی، بینش و تلقی دین و مکتب، نسبت به انسان و جهان است و این مسائل اصول دین را تشکیل می‌دهد و عهده‌دار پاسخ به بنیادی‌ترین پرسش‌های انسان است. ایدئولوژی «فلسفه عملی دین و یک سلسله مقررات کلی برای اداره زندگی مردم است که ترسیم‌کننده نظام و شاکله اجتماع است»، مقررات جزئی و فرعی بخش دیگر دین است که بر مبنای مقررات کلی وضع شده است. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۷۳۹ ـ ۷۳۷)

۳. تعریف اخص که مراد از دین همان اسلام ناب و شریعت محمدی ﷺ است:

«دین به معنای تدین، یعنی پایبندی به احکام اسلامی، قبول، اذعان و تسلیم است.» (بیانات رهبری، ۲۳ / ۰۵ / ۱۳۶۹)

تمایز این نوع اسلام با گونه‌های دیگر آن در عناصر اصلی اسلام ناب، یعنی معنویت، عقلانیت و عدالت است. (بیانات رهبری، ۰۲ / ۰۷ / ۱۳۸۸؛ ۲۵ / ۰۵ / ۱۳۸۳)

### ۲ـ۴. معنویت

واژه «معنویت»، واژه‌ای جعلی و بی‌سابقه در زبان فارسی نیست؛ بلکه از سالیان دور در متون فارسی به‌کار رفته است. (شاکرنژاد، ۱۳۹۷: ۳۸) «معنوی» منسوب و مربوط به معنی و به معنای حقیقی، راست، اصلی، ذاتی، مطلق، باطنی و روحانی و در مقابل مادی است. (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴ / ۲۱۱۹۰) بنابراین «معنویات آن چیزی است که خلاف مادیات است.» (بستانی، ۱۳۷۵: ۸۴۲) همچنین معنوی، در مقابل صوری و ظاهری است و معنایی است که فقط به‌وسیله قلب شناخته می‌گردد و زبان را در آن بهره‌ای نیست، (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴ / ۲۱۱۹۰) و نیز معنوی «مربوط به فکر، عقل یا احساس؛ درونی؛ مقابل صوری» (انوری، ۱۳۸۲: ۷ / ۷۱۸۲) به‌کار رفته است.

معادل واژه معنویت در انگلیسی، spirituality است که از واژه لاتین spiritualties گرفته شده است. این واژه در معنای انگلیسی، برای مقایسه میان زندگی مسیحی با زندگی«دنیوی» یا سبک زندگی ماده‌گرایانه استفاده می‌شد. (ام نلسون، ۱۳۹۵: ۲۴) «امروزه این واژه اغلب برای اشاره به بخش تجربی و شخصی رابطه ما با امر متعالی یا مقدس به‌کار می‌رود.» (همان: ۲۴)

در بیان معنای اصطلاحی معنویت، میان متفکران اختلاف است. برخی تا حدود هفتاد تعریف برای آن برشمرده‌اند. (Geigle, 2012: 14) عده‌ای مانند اوریلی گستردگی معنا و مفهوم معنویت را در حدی می‌دانند که می‌گویند:

> می‌توانیم از معنویت هر معنایی را استخراج کنیم؛ ازاین‌رو حتی توصیه حذف واژه معنویت را از فرهنگ لغات می‌دهد. (صفایی مقدم، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰: ۹۱ ـ ۹۰)

با این حال در عمده کتاب‌های مربوط به این بحث برای معنویت تعاریفی ارائه شده است. (Gibbons, 1999: 3) عده‌ای معنویت را این‌گونه تعریف می‌کنند:

> به‌عنوان کوشش در جهت رشد و ارتقای حساسیت آدمی به خود، دیگران، سایر مخلوقات و خداوندی است که در درون و بیرون این مجموعه کلی قرار گرفته است. (هیلنز، ۱۳۸۷: ۱۲۶۳)

عمده متفکران غربی معنویت را تجربه و تلاش معنوی انسان در ارتباط با امر متعالی می‌دانند. (فونتانا، ۱۳۸۵: ۳۷؛ ساراسوراتی، ۱۳۷۶: ۳۹ ـ ۳۸؛ seligman, 2002)

متفکران اسلامی تعریف مشخصی به‌خصوص درباره معنویت ارائه نکرده‌اند؛ برخی آن را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «اصل و اساس معنویت به درونی بودن آن است. این ساحت درونی است که انسان را از درون به حقیقت الهی پیوند می‌زند.» (نصر، ۱۳۸۵: ۲۴۳) «معنویت یا همان امر قدسی، امری واقعی است که لبّ و لباب ادیان و غایت زندگی انسان است.» (دین‌پرست، ۱۳۸۷: ۱۲۲) اندیشمندان اسلامی عمدتاً به معنویت دینی نظر دارند تا معنویت صرف. معنویت دینی درواقع صفتی است که از دین‌داری برمی‌خیزد. نوع زیستن دین‌مدارانه ارتباطی را بین انسان و خدا و عالم معنا شکل می‌دهد که برآیند آن زندگی معنوی خواهد بود. به این معنا که فرد دین‌دار در اثر باورمندی به خدا و حضور دائمی و همیشگی خدا در عالم هستی به معرفتی راه می‌یابد که خود را همواره در محضر او می‌بیند و همین امر سبب می‌شود تا به تعالیم الهی گردن نهد و زندگی خود را براساس آن سامان دهد. معنویت دینی «ارتباط رشدیابنده با خدا است که با دفع جاذبه‌های ظاهری دنیا، قلب انسان را در جاذبه لطف الهی توسعه می‌دهد و پشتوانه درونی فضیلت‌ها و رفتارهای اخلاقی است.» (مظاهری سیف، ۱۳۹۳: ۱۷)

معنویت صحیح از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، معنویت دینی و توحیدی است که بر مبنای نیازمندی فطری بشریت و در سایه توجه به حقیقت انسانیت و اخلاق و در بستر دین و عمل به پیام انبیا و وحی الهی، این نسخه نجات‌بخش بشریت برای انسان محقق می‌شود. (بیانیه گام دوم انقلاب، ۲۲ / ۱۱ / ۱۳۹۷)

اساس معنویت «توجه، رابطه قلبی و پیوند حبی با خداوند متعال در اندیشه، گرایش و رفتار» است و رهبر معظم انقلاب معنویت صحیح را در راستای فطرت و نیازهای فطری انسان، این نوع معنویت دانسته‌اند: معنویت، رابطه با خدا و ارتباط و اتصال قلب به خدا، (بیانات رهبری، ۰۱ / ۰۱ / ۱۳۶۹) «مجذوب شدن در مقابل لطف الهی» (بیانات رهبری، ۰۱ / ۰۲ / ۱۳۸۹) رازونیاز با خدا، ارتباط دل‌ها با خدای متعال، هدف را خدا قراردادن، فریب ظواهر را نخوردن و عدم دلبستگی به زر و زیور دنیا و زخارف دنیا است. (بیانات رهبری، ۲۷ / ۰۶ / ۱۳۷۰) از این منظر معنویت:

ایمان به خدا و ارتباط پویا، پایا، جهادی، تعالی‌بخش توحیدی و آگاهانه با خدا، خود، جامعه و جهان از رهگذر شریعت حقه محمدیه و راهنمائی و راهبری امام و ولی در عرصه‌های گوناگون زندگی که در اعمال خالصانه و صالحانه ظهور یافته و منتهی به حیات طیبه گردد. (رودگر، ۱۳۹۶: ۴۶)

## ۳. نقش عقلانیت بر معنویت

بیان گردید که مراد رهبر معظم انقلاب از معنویت، معنویت دینی و فطری است. برای بیان نقش عقل در معنویت، باید نقش عقلانیت و خردورزی در دین مشخص گردد که در ادامه به این بحث می‌پردازیم.

### ۳ـ۱. جایگاه عقل در دین

اسلام ناب نه‌تنها با عقلانیت تعارضی ندارد بلکه عقلانیت از شاخص‌های اساسی آن است. اسلام ناب طرف‌دار عقلانیت و تفکّر، و ضدّ قشری‌گری و تحجّر است. (بیانات رهبری، ۲۱ / ۱۲ / ۱۳۹۳) اتهام افتراق اسلام از عقلانیت، انکار یک امر بدیهی است .(بیانات رهبری، ۲۷ / ۰۶ / ۱۳۸۵)، قرآن کتاب هدایت و آگاهی برای صاحبان عقل است: «هُدًي وَذِكرَي لِأُولِي الْأَلْبَابِ» (غافر / ۵۵) و با استفاده از عقل راه هدایت از قرآن میسر می‌شود. حرکت براساس عقل در همه امور، لازم است مگر در میدان تعبد که عقل انسان به جهت محدودیت، راه به جایی نمی‌برد. (بیانات رهبری، ۲۹ / ۰۶ / ۱۳۶۹) آنچه انسان را به پیش می‌برد، عقل است. با پذیرش دین، عقل بستری برای رشد بهتر و سریع‌تر در رسیدن به اهداف پیدا می‌کند. (بیانات رهبری، ۲۲ / ۰۱ / ۱۳۶۹) پیامبران الهی برای توانمندی خرد و بینش انسان آمده‌اند، ازاین‌رو با عوامل معارض با عقل مبارزه می‌کنند. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۴۲)

### ۳ـ۲. نقش برون‌دینی عقلانیت بر دین و معنویات

براساس محتوا، مبانی و اصول معرفتی دین اسلام، تعبد به امور دینی براساس تعقل است. مراد از نقش عقل در حوزه برون دینی این است که کارکرد عقل، قبل از پذیرش و التزام به دین، در دین چیست؟ کارکرد اصلی عقل راهبرد انسان به دین است. در ادامه و بر اساس منویات رهبری به مواردی پرداخته می‌شود که عقل پیش از پذیرش دین، انسان را مدد می‌رساند.

#### ۳ـ۲ـ۱. عقلانیت نیاز به دین و معنویات

عقل، نقص و نیازمندی‌اش به دین را درک، انسان را به دین دعوت می‌کند. دلایلی که مقام معظم رهبری برای نیاز به دین آورده‌اند و عقل همه این دلایل را تبیین کرده است، از این قرارند:

محدودیت ذاتی انسان از ناحیه حواس، غرائز و خرد انسانی برای راهبری انسان؛ با این بیان که موجودات دیگر همچون زنبورعسل با وحی غرائز، فطرت و حواس طبیعی به هدف خلقت نائل می‌شوند و اساساً تکامل، در کار هیچ‌کدام از موجودات دیگر نیست. انسان هم مانند دیگر حیوانات از غریزه و فطرت بهره‌مند است. با ضعف این قوا در طول عمر، عقل کارایی بیشتری می‌یابد و امورات زندگی انسان بعد از گذشت دوران طفولیت را بر عهده می‌گیرد. البته به اذعان خود عقل، هدایت و سعادت انسان به جهت نیازهای بی‌نهایت انسان، صلاحیت و کفایت قضاوت و قانون‌گذاری مستقل از ناحیه عقل ندارد.(حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۳۹۱ ـ ۳۸۶)

براساس واقعیت‌های تاریخی و علمی، عقلِ فلسفی از اداره زندگی بشر ناتوان بوده است. اختلافات مکتب‌های فلسفی و عقلی ناشی از محدودیت عقل انسانی، نیازمندی انسان به مبدأ و نقطه‌ای عمیق‌تر از خرد، برای هدایت و سعادت انسان را تأیید می‌کنند. نبوت، نیازمندی انسان به نیرویی بالاتر، هدایتی قوی‌تر و عمیق‌تر از هدایت حس، غریزه و عقل در جهت راهنمایی و پرورش عقل نه سرکوب غرائز و عقل است که عقل و تجربه تاریخی آن را تأیید کرده است. (همان:۳۹۲ ـ ۳۹۱)

قوه اختیار و اراده که ناشی از قوه عقل است و انسان با آن راه خدا، یا راه هوای نفس را انتخاب می‌کند. (بیانات رهبری، ۲۹ / ۰۶ / ۱۳۷۳)

مجموعه‌های انسانی که مجموعه‌هایی از اراده‌ها، فکرها و خواهش‌های نفسانی هستند. (بیانات رهبری، ۰۲ / ۰۶ / ۱۳۸۷)

موجودات غیرانسانی و بی‌اراده، حرکت عمومی جهان را پیروی می‌کنند، اما انسان با اختیار و قوه عقل، قادر به تغییر مسیر طبیعی عالم است. مثلاً می‌تواند اورانیوم را بشکافد و به‌جای درمان بیماری در جهت ساخت بمب استفاده نماید، ازاین‌رو برای انسان نیز لازم است قانونی مطابق خط سیر حرکت دسته جمعی موجودات عالم و منطبق با سرشت جهان و موجودات باشد که از آن به دین و برنامه الهی تعبیر می‌شود که هدف آن تبدیل نظام جاهلی، غیر فطری به نظامِ الهی و مطابق با فطرت است. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۴۶۱ ـ ۴۵۸)

### ۳ـ۲ـ۲. نقش عقل در ایجاد بنیادهای معرفت دینی

اساس معنویت اسلامی اعتقاد به عالم غیب، مبدأ و معاد است که بدون این پایه‌های اصلی، ایمان و معنویت اصیل شکل نمی‌گیرد. در اسلام ضدیت دین با عقل بی‌معناست و عقل در فهم دین نقشی بدیهی و قطعی دارد و از منابع حجت برای یافتن اصول دین و جهان‌شناسی است. (بیانات رهبری، ۰۵ / ۰۷ / ۱۳۸۳) در جهان‌بینی الهی، ماورای عالم ماده، عالم معنایی وجود دارد که با برهان عقلی اثبات می‌شود. وجود

خداوند، وحی، معاد، و به‌طورکلی عالم غیب با عقل یا برهان عقلی ثابت می‌شود. عقل با اثبات گزاره «خدا هست»، وجود خداوند را اثبات می‌کند و بعد از آن، نبوت را با برهان عقلی ثابت می‌کند. بسیاری از امور غیرمستقیم با عقل اثبات می‌شوند. این امور هرچند برای اثباتشان برهان عقلی ندارد، اما با اعتماد و ایمان به گفته مخبر صادق اثبات می‌گردند. (بیانات رهبری، ۲۴ / ۰۷ / ۱۳۷۰) عقل در خداشناسی نیز نقش دارد. توحید وادی بسیار با عظمتی است که باید با تکیه به تفکر، تدبر و تعقلی که به نور وحی و معرفت تغذیه می‌شود، پیش برود. (بیانات رهبری، ۲۲ / ۰۱ / ۱۳۶۹) معرفت استدلالی یکی از روش‌های کسب معرفت به خداوند است که برای شناخت خداوند لازم اما ناکافی است. آنچه که انسان را نجات می‌دهد و به حرکت وامی‌دارد، معرفت ایمانی است و کارایی آن در حرکت انسان بیشتر از معرفت استدلالی است. جایگاه معرفت استدلالی و عقلی، در رد شبهات و وسوسه‌هاست که همچون ستونی است که انسان آسوده خاطر از وساوس به آن تکیه می‌دهد. اما جایگاه معرفت ایمانی در حرکت‌دهی انسان به عمل است. (بیانات رهبری، ۱۴ / ۱۱ / ۱۳۷۶) ایمان مستقر و صحیح با تکیه به یک استدلال محکم به وجود می‌آید و انسان را به عرصه عمل می‌کشاند. (بیانات رهبری، ۲۰ / ۰۸ / ۱۳۸۳) انسانی که به این مرتبه معرفت ایمانی دست می‌یابد، در مرحله اول با عقل نظری و معرفت استدلالی به کسب معرفت درباره مباحث ایمانی دست می‌یابد. معرفت و علم نمی‌تواند انسان را به سعادت برساند چون از لوازم رسیدن به آن حرکت است، باید در مرتبه دوم در سطح گرایشات به پشتوانه عقل عملی، علم و معرفت خویش را در اعمال جوارحی و جوانحی بروز و ظهور دهد و ازاین‌روست که ایمان، همراه با عمل است و بنیه معنوی بر دو پایه معرفت و ایمان استوار است. (بیانات رهبری، ۲۹ / ۰۶ / ۱۳۶۹) به‌عبارتی معرفت از سنخ بینش‌هاست که به‌وسیله قوه عقل برای انسان حاصل می‌شود و ایمان علاوه بر بعد معرفتی و آگاهی از سنخ گرایش است که انسان را به‌سوی عمل می‌کشاند. ایمان همان باورمندی قلبی است که انسان معانی ادراک کرده به عقلش را باید با مجاهدات به قلبش برساند تا قلبش آگاه بشود. به‌گونه‌ای که عالم را محضر خداوند ببیند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ۱۱ / ۳۸۲) ازاین‌رو ادراک عقلی و ایمان، توأمان از امور لازم برای کسب معنویت‌اند.

یکی از پایه‌های اساسی معنویت، اعتقاد به معاد و زندگی ابدی است که با برهان عقلی و نقلی اثبات می‌شود. (بیانات رهبری، ۲۴ / ۰۷ / ۱۳۷۰) عقل نظری اصول کلی آن را ادراک می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹: ۷ / ۵۷۰؛ بیانات رهبری، ۰۱ / ۰۸ / ۱۳۷۰) معاد هدفی معقول است که انسان عاقل در افعال و اعمالش آن را دنبال می‌کند. هدف هر فعلی به اندازه مبدأ فاعلی آن کار دارای ارزش است. هدف انسان متوهم و مختال هدفی وهمی و خیالی است. انسان کامل و معنوی نیز هدف و مبدأ غایی دارد که

معقول‌ترین و کامل‌ترین هدف او است. (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲۱۷) به‌فرض تمام شدن زندگی با مرگ، حرکت جهان هستی بی‌هدف خواهد بود. حرکت کامل هستی منوط به برخورداری انسان از پاداش و سزای اعمالش است که در ظرف دنیا قابلیت تحقق ندارد. از لوازم این بحث پذیرش معاد است. (بیانات رهبری، ۰۱ / ۰۸ / ۱۳۷۰) قرآن طریق اولوالالباب را یکی از راه‌های اثبات معاد می‌داند: «رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّار * رَبَّنَا إِنَّكَ مَن تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنصَارٍ» (آل‌عمران / ۱۹۲ ـ ۱۹۱) یعنی با تعقل در خلقت آسمان‌ها و زمین به مبدأ و معاد، ایمان آگاهانه می‌آورند.(حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۲: ۱۰۴)

### ۳ـ۳. نقش درون‌دینی عقل بر دین

مبنا و اساس اسلام بر عقلانیت است و عقل کاربرد بسیار وسیعی در فهم، تشخیص اهداف و تشخیص ابزارها دارد. (بیانات رهبری، ۲۵ / ۰۵ / ۱۳۸۳؛ بیانات رهبری، ۲۵ / ۰۶ / ۱۳۹۴) «در احکام فرعی هم عقل یکی از حجت‌هاست.» (بیانات رهبری، ۰۵ / ۰۷ / ۱۳۸۳) عقل یکی از منابع دینی در کنار قرآن و سنت و ابزاری برای استنباط احکام شرعی است. روش فقاهت، روش رد فروع به اصول، و استنباط از اصول و مبانی استنباط ـ کتاب و سنت و عقل و اجماع ـ و کیفیت این استنباط و تقابل میان ادله و ترتیب و نوبت‌بندی ادله مختلف است. (بیانات رهبری، ۳۱ / ۰۶ / ۱۳۷۰) این روش در عرصه فقه، با بهره گرفتن از مبانی عقلی و اصولی استنباط و تفریع فرع بر اصل حاصل می‌شود. بهره نبردن از مبانی عقلی به این شیوه، افتادن به وادی تفریط است. در مقابل آن روش عقل‌گرایی افراطی و لغزیدن به وادی قیاس است که از نظر شیعه مطرود است. (پیام‌های رهبری، ۲۸ / ۰۱ / ۱۳۷۲) روش اجتهادی شیعه، عقل متکی به یقین و علم، و وحی الهی است، و با اجتهاد به رأی که متکی به ظنون غیر معتبر، مثل قیاس، استحسان و امثال است، تفاوت اساسی دارد. یعنی بی‌واسطه یا باواسطه، باید همه شیوه‌های استنباط، به قطع و یقین منتهی شود و اعتبار ظنون خاصه و اصول عملیه باید یقینی و قطعی باشد. (بیانات رهبری، ۲۹ / ۰۷ / ۱۳۸۹)

## ۴. نقش دین و معنویت در عقلانیت

سرچشمه همه خردورزی‌های بشر در طول تاریخ، تعالیم انبیای الهی است که تمام ساحات وجودی انسان از ساحت اندیشه، اخلاق و رفتار انسان را پوشش می‌دهد. (بیانات رهبری، ۱۱ / ۰۶ / ۱۳۸۴) انبیا با تربیت عقلانی و استخراج نیروی خرد انسانی و حاکم قراردادن آن بر تفکرات و اعمال انسان، به‌دنبال محقق ساختن این امر بوده‌اند. (بیانات رهبری، ۲۹ / ۰۴ / ۱۳۸۸) اسلام علاوه بر ارزش و جایگاه عقل، راه تفکر

صحیح هم به بشر آموخته است. تعالیم دینی، اساس عقلانیت را تشکیل می‌دهند که براساس آن، می‌توان دنیایی نو و منطبق بر خواست‌های حقیقی و فطری انسان به وجود آورد. (بیانات رهبری، ۲۶ / ۰۱ / ۱۳۸۳)

### ۴ـ۱. ضرورت نیازمندی انسان به دین و تربیت معنوی عقل در بستر دینی

عقل انسان محدود و محتاج وحی الهی برای سعادت بشر است. (بیانات رهبری، ۰۱ / ۰۹ / ۱۳۷۷) به‌وسیله عقل اصول کلی زندگی انسان مشخص می‌گردد اما برای شناخت، جزئیات و تفاصیلش ـ همانند جزئیات عالم آخرت و حساب و کتاب قیامت ـ دلیل مستقل عقلی نداریم، و این امور برعهده وحی است. (بیانات رهبری، ۰۱ / ۰۸ / ۱۳۷۰) اما حجیت قول پیامبرﷺ به این علت است که خود پیامبرﷺ با عقل مستقل و برهان عقلی ثابت شده است. (بیانات رهبری، ۲۴ / ۰۷ / ۱۳۷۰) وحی، قرآن صامت و نیازمند قرآن ناطق و عترت است. (بیانات رهبری، ۲۳ / ۰۸ / ۱۳۸۲) بنابراین اسلام ناب مبتنی بر عقل، وحی الهی، قرآن و اهل‌بیت پیامبرﷺ است و اتکای به یکی و کنار نهادن دیگری، انحراف از اسلام است. انبیای الهی در علوم قابل دستیابی و مستقلات عقلی، استعداد بشر را شکوفا کرده‌اند: «**یثیروا لهم دفائن العقول**»، (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۴۳) و در پرده برداشتن از غیب، نوآوری علمی و معرفتی برای بشر داشته‌اند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ب: ۱ / ۴۹) در بحث از مستقلات عقلی براساس حدیث «لله علی الناس حجتین» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۶) عقل و شرع دو حجتی هستند که خداوند بر مردم دارد. بنابراین هیچ‌جایی نیست که حکم یکی با حکم دیگری متفاوت باشد. چون هر دو حجت خداوند و وسیله سعادت هستند، ناگزیر باید همسوی با هم باشند و ضد هم سخن نگویند. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۴۳۷)

### ۴ـ۲. نقش معنویت در عقلانیت

حکم شرعی در مقام ایجاب و حلیت و در مقام نفی و تحریم با حکم عقلِ سلیمِ فطری تربیت شده همسو است؛ «**کل ما حکم به الشرع حکم به العقل**» (وحید بهبهانی، ۱۴۲۶: ۲۲) عکس این قاعده، یعنی تطابق حکم عقل سلیم با شرع نیز صحیح است. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۴۳۷) حکم عقل با حکم شرع به شرط داشتن ویژگی‌های زیر یکسان است:

۱. سالم بودن عقل: براثر بیماری‌های روانی یا آسیب جسمی قوه درّاکه انسان آسیب ندیده باشد. (همان: ۴۳۹)

۲. فطری ماندن عقل: از فطرت انسانی در تفکر و عمل الهام بگیرد و برای جلب منفعت، تحت تأثیر هواهای نفسانی، شهوت و تمایلات خاص قرار نگیرد. نمونه‌های عقل غیر فطری کشتارهایی است که در طول تاریخ با عقل‌های خلاق اما غیرفطری به وجود

آمده است. (همان: ۴۳۹) به عبارتی عقل غیر مشوب که از بیرون و درون آلوده نشده باشد، خالی از شوائب اوهام، فطری و از منابع اثباتی دین است. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ پ: ۱۰۲)

۳. تربیت یافتگی عقل: عقل پرورش یافته با علم صحیح به درک همسویی حکم عقل و شرع می‌رسد. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۴۴۰ ـ ۴۳۹)

**۴ـ۳. هواهای نفسانی از موانع رشد و تربیت عقل و خروج عقل از مسیر فطرت**

پیروی از تمایلات نفسانی از عوامل ایجاد خطا در کار عقل است. عقل در محیطِ به دور از هوای نفس، به ادراک صحیح دست می‌یابد. (مطهری، ۱۳۹۰: ۲۶ / ۶۶) انسانِ اسیر شهوت، دین خود را از دست می‌دهد: «**طَاعَه الشَّهْوَه تُفْسِدُ الدِّین**»: (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۴۳۴) شهوت‌پرستی، دین انسان را فاسد و هوای نفس عقل انسان را زایل می‌کند: «**طَاعَه الهَوَي تُفْسِدُ العقل**» (همان) هدف شارع، حفظ سلامت عقل و دین است و شهوت و تمایلات نفسانی، از موانع آن و بالاترین خطر برای انسان هستند. (بیانات رهبری، ۱۲ / ۰۹ / ۱۳۷۹؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف: ۲۱۷) «**الْعَقْلَ عِقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ وَ النَّفْسَ مِثْلُ أَخْبَثِ الدَّوَابِّ فَإِنْ لَمْ تُعْقَلْ حَارَتْ فَالْعَقْلُ عِقَالٌ مِنَ الْجَهْلِ**: نفس همانند پلیدترین جانوران است، اگر زانوبندش نزنند سرگردان شود، پس عقل، عقال و جلوگیر از جهل است.» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۳۸۲: ۳۳) نفس انسان، سرچشمه همه کمالات و شرارت‌های وجود اوست. (بیانات رهبری، ۰۱ / ۰۸ / ۱۳۷۰؛ بیانات رهبری، ۲۸ / ۰۲ / ۱۳۸۰) ازاین‌رو نیازمند تربیت است که اگر تحت تربیت و کنترل عقل قرار نگیرد، مشکلاتی در عرصه‌های فردی و اجتماعی ایجاد می‌نماید. (بیانات رهبری، ۲۹ / ۰۴ / ۱۳۸۸) علاج تمامی مشکلات فردی و اجتماعی انسان نجات عقل از هواهای نفسانی با تربیت، تزکیه نفس و تعلیم است (بیانات رهبری، ۰۱ / ۰۸ / ۱۳۷۰؛ بیانات رهبری، ۲۸ / ۰۲ / ۱۳۸۰) که با اراده، ایمان قوی و آشنایی با تزکیه و اخلاق الهی محقق می‌شود. (بیانات رهبری، ۱۷ / ۰۷ / ۱۳۷۰) روح همه معارف اسلامی، این است که عقل عملی انسان را تربیت و مهار نفس انسان را از شهوت و غضب خارج کند، و به‌دست عقل و تقوا دهد. ریشه همه رنج‌های بشر این است که نفس انسانی به‌دست قوه شهوت و غضب سپرده شده است. برای حل آن باید مهار نفس به‌دست عقل و تقوا داده شود که این مهم با تربیت نفس انسانی و عقل عملی او میسر می‌گردد. (بیانات رهبری، ۲۶ / ۰۱ / ۱۳۸۳) این همان امر مهمی است که در روایات از آن به خودسازی و جهاد اکبر تعبیر شده است که اساس رسیدن به حیات طیبه (حیات معقول) است و همان خروج انسان از بهیمیت و عروج به تربیت الهی است و خروجی آن انسان‌هایی است که جامعه را طیب و امن می‌کنند و در غیر آن، دانش و پیشرفت در خدمت شهوت و هوای نفس

قرار می‌گیرد و به عواملی ضد معنویت مبدل می‌گردند. (بیانات رهبری، ۲۸ / ۱۰ / ۱۳۷۷) چراکه عقل عملیِ انسان، کارایی خود را از دست می‌دهد، ازاین‌رو عامل مهمی که انسان با آن می‌توانست به‌سوی امور معنوی گرایش یابد، مقهور غضب و شهوت گشته و چنین انسانی نه‌تنها از معنویت و سیر تکاملی بازمی‌ماند بلکه از وادی انسانیت نیز سقوط کرده است. (بیانات، ۲۴ / ۰۵ / ۱۳۶۹)

**۴ـ۴. نقش دین و معنویات در تربیت و پرورش عقل**

عقل همیشه به راه ثواب نمی‌رود و نیازمند مرشد و تعلیم است. اگر در مسائل و تکالیف اساسی، عقل‌ها با هم تصادم کنند، راه ارشاد عقل فقط وحی الهی است. (بیانات رهبری، ۰۱ / ۰۸ / ۱۳۷۰) بینش انسان گاهی به عقل نظری و زمانی به وهم و خیال مستند است. گرایش نیز زمانی مستند به عقل عملی و گاهی به شهوت و میل نفسانی است. گرایش حقیقی به عقل عملی وابسته بوده «**العقل ما عبد به الرحمن و اکتسب به الجنان**» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۱) و بینش حقیقی به عقل نظری یعنی برهان عقلی و وحی معتبر، مستند است. به عبارتی معیار گرایش‌های انسان به جهت ارتباط جان انسان با ماورای طبیعت، عقل و نقل معتبر است نه طبع انسان. (جوادی آملی: ۱۳۸۹ ب: ۱۰ / ۵۴۷)

صفات اساسی در یک انسانِ تربیت‌شده، آگاهی، فکر، اراده و روشن‌بینی است. (بیانات رهبری، ۲۵ / ۱۰ / ۱۳۷۰) آفرینش و فطرت انسان به‌گونه‌ای است که نیازمند تربیت است. در مسائل معنوی، اولاً باید فکر و قوای عقلانی او از طریق تعلیم، تربیت شود و ثانیاً نفس، قوای روحی، غضبیه و شهویه او از طریق تزکیه، تربیت شود که به‌دنبال آن آبادی جهان مادی، رسیدن به مقام قرب الهی، کمال و سعادت ابدی محقق خواهد شد. (بیانات رهبری، ۱۲ / ۱۰ / ۱۳۷۶) تربیت عقلانی به معنای استخراج نیروی خرد و حاکم قراردادن آن بر تفکرات و اعمال انسان است تا بتواند راه هدایت را تشخیص دهد و آن را طی کند. (بیانات رهبری، ۲۹ / ۰۴ / ۱۳۸۸) این امر با حاکمیت قوّه عقل بر دیگر قوای انسانی و تابعیت عقل از شرع، (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ۲ / ۳۶۱) و با تهذیب و تزکیه و سوق دادن انسان به حکمت محقق می‌شود. (بیانات رهبری، ۰۱ / ۱۱ / ۱۳۷۱)

هدف بعثت انبیاء الهی کمال انسان با تربیت عقلانی، فکری و روحی است. (بیانات رهبری۲۹ / ۰۴ / ۱۳۸۸؛ بیانات رهبری، ۱۲ / ۱۰ / ۱۳۷۶) این هدف تربیتی اسلام در ساحت معرفتی، اخلاقی و اجتماعی است. (خسروپناه، ۱۳۹۶: ۱ / ۴۶۹ ـ ۴۵۶) ازیک طرف نقش خود عقل، در تربیت انسان دارای اهمیت است، و از طرفی نقش روش‌های دینی در تربیت ساحت‌های وجودی انسان که البته روش دینی و الهی هم بر پایه‌های عقلانی مبتنی است. (بیانات رهبری، ۱۲ / ۱۰ / ۱۳۷۶) اهمیت تربیت اسلامی تا آنجاست که در مسائل اخلاقی، انسان توانایی تغییر خلقیات ارثی هم دارد. (بیانات رهبری، ۱۴ / ۱۱ / ۱۳۷۳)

این تربیت از طریق تربیت معنوی و دینی محقق می‌شود. «روح همه معارف و تعالیم اسلامی این است که افسار رفتار و حرکت بشر در زندگی به‌دست شهوت و غضب داده نشود؛ انسان و جامعه انسانی را خودخواهی‌ها هدایت نکند؛ بلکه عقل و تقوا هدایت کند.» (بیانات رهبری، ۲۶ / ۰۱ / ۱۳۸۳)

براساس انسان‌شناسی اسلامی، انسان خلیفه خداست و وظیفه مدیریت دنیا و آبادی آن و استخراج استعدادهای درونی خود و دیگران برعهده اوست. (بیانات رهبری، ۲۵ / ۰۲ / ۱۳۸۶) محور این خلافت، علم اسماء و عقل مسمّیات است، و انسان دربندِ شهوت و غضب از قله علم و عقل پایین آمده و صلاحیت خلافت و قرب الهی را از دست داده است. تربیت عبادی انسان را از آسیب تباهی حیوانی و شیطانی رهایی می‌دهد و او را به اوج عقل می‌رساند. عبادات شرعی در این راستا تشریع شده‌اند و انگیزه سالک در عبادت‌هایش این است که خلیفه خدا گردد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ب: ۳۵۹) قدرت فکری و عقل انسان در صورتی می‌تواند کارایی داشته باشد که در مسیر تربیت قرآنی و الهی قرار بگیرند. (بیانات رهبری، ۰۶ / ۰۲ / ۱۳۹۷) درک آنچه شرع می‌گوید و همچنین همسویی حکم شرع و عقل به وسیله تربیت معنوی محقق می‌شود. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۴۴۰ ـ ۴۳۹) در صورت تربیت معنوی، عقل با معارف و مسائل گوناگون آشنا می‌شود، در حوزه هستی‌شناسی از احوال عالم و در حوزه انسان‌شناسی از احوال، غرایز شهوات و تمایلات انسانی آگاه می‌شود و مضرات گناهان را درک می‌کند و در سطحی از رشدیافتگی قرار می‌گیرد که فعل حرام را اگر شارع هم حرام نکرده باشد، برای جسم یا روح یا اخلاق یا اجتماع مضر می‌داند، و حکم به حرمت آن صادر می‌کند؛ بنابراین یکسانی حکم عقل و شرع، فقط به شرط سلامت، فطری بودن و تربیت یافتگی عقل است. (حسینی خامنه‌ای، ۱۳۹۸: ۴۴۰)

کامل‌ترین راه تربیت دستگاه دانش و بینش (عقل نظری)، تربیت توأم با علم و عمل است که به‌وسیله یافته‌های علمی و جهت دادن قوای ادراکی و برائت نفس ناطقه از آلودگی به اخلاق پست و بازداشتن این قوه ادراکی از اندیشه و توهم فاسد به دست می‌آید؛ که نتیجه آن درخشش حقایق ایمانی است. به‌علاوه تعقل امور غایب از حواس، در مرتبه خیال و عقل را ممکن می‌سازد. تربیت ناسالم، با اندیشه فاسد، عمل و اخلاق پست، نفس را از ادراک حقایق اشیاء ایمانی محجوب می‌دارد، و او را از نیل به خداوند و نعیم آخرت بازمی‌دارد. (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۵ / ۹۰)

تنظیم گرایش‌های انسان (عقل عملی)، با کارهای عملی محقق می‌شود. اگر عقل عملی که عهده‌دار مدیریت همه تصمیم‌گیری‌های گرایشی انسان همچون اراده، محبت و اخلاق است، به درستی تربیت شود، از احکام عقل نظری تبعیت می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ج: ۱۱۷) به‌گونه‌ای که بینش‌های محکم، را قبول می‌کند و تمایلات محکم فطری را مبنای تصمیم انسان قرار می‌دهد و براساس حکمت عملی، از

روح انسان در برابر طغیان شهوت و غضب حفاظت می‌کند. (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ث: ۳۳۱) وگرنه از عقل نظری و دانش سرکشی کرده، و از شهوت و غضب در مرحله نظر و عمل تبعیت می‌کند، و مدیریت شیطان بر قوای گرایشی، جانشین مدیریت عقل عملی می‌شود. (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ج: ۱۱۷)

حاصل و نتیجه تربیت عقل در سایه دین و امور معنوی، عقلانیت دینی است. به این معنا که آموزه‌های دینی به‌گونه‌ای طراحی شده‌اند که انسان را در سطوح مختلف، برخوردار از عقلانیت می‌کنند.

فطرت، عقل و معنویت با هم تطابق دارند. به تعبیر امیرالمؤمنین علیه السلام یکی از اهداف بعثت انبیا همین تطابق فطرت و عقل و معنویت است. «**إِلَيهِمْ أَنْبِياءَهُ لِيسْتَأْدُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يذَكِّرُوهُمْ مَنْسِي نِعْمَتِهِ وَ يحْتَجُّوا عَلَيهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَ يثِيرُوا لَهُمْ دَفَائِنَ الْعُقُولِ وَ يرُوهُمْ آياتِ الْمَقْدِرَه مِنْ سَقْفٍ...**» (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۴۳) عقلی می‌تواند انسان را به تعالی، معنویت و سبک زندگی برساند و ارتباطات مادی انسان را سامان دهد که خود تربیت معنوی شده باشد. (بیانات رهبری، ۲۰ / ۰۳ / ۱۳۹۷) در ادبیات دینی، عقل علاوه بر محاسبات مادی، وظیفه هدایت‌گری انسان و رساندن او به عبودیت را برعهده دارد[1] که نیازمند تربیت معنوی است. (بیانات رهبری، ۲۰ / ۰۳ / ۱۳۹۷) کاربست عقلانیتِ تربیت یافته در اهداف انقلاب اسلامی کاملاً مشهود است. انقلاب اسلامی اهداف اسلام ناب را دنبال می‌کند ازجمله این اهداف ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است که از دو بخش ابزاری و حقیقی تشکیل می‌شود؛ بخش ابزاری ارزش‌هایی همچون علم، سیاست و اقتصاد است که در پیشرفت کشور نقش دارند، و بخش حقیقی یا عقل معاش و سبک زندگی که شامل مسائلی همچون خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن می‌شود و بدون عقلانیت تربیت‌یافته هیچ‌گاه تحقق نمی‌یابد. (بیانات رهبری، ۲۳ / ۰۷ / ۱۳۹۱)

## نتیجه

با توجه به آنچه بیان گردید، مشخص گردید که عقلانیت و معنویت با هم انسان را به سعادت می‌رسانند. در وادی امر، عقل انسان را به دین می‌کشاند و بنیان‌های معرفتی انسان، بر پایه خردورزی شکل می‌گیرد. پایه معنویت اسلامی اعتقاد به مبدأ و معاد است که بدون تعقل و خردورزی، انسان نمی‌تواند در این وادی پا بنهد. از طرفی عقل به جهت محدودیت‌هایی که دارد باید تربیت معنوی گردد تا از اوهام و شهوات پاک گردد و بتواند در رسیدن به سعادت انسان را یاری دهد. ازاین‌رو عقلانیت و معنویت با هم و در پیوندی دو سویه انسان را به سعادت و حیات طیبه اسلامی می‌رسانند. عقل تربیت‌یافته در بستر دین، پیشرفت را در رفاه مادی و معنوی هر دو می‌یابد، ازاین‌رو عقلانیت اسلامی هم بنیادی‌ترین مسائل انسان

---

۱. اَلعَقلُ ما عُبِدَ بِهِ الرَّحمنُ وَ اکتُسِبَ بِهِ الجَنان. (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۱) و «اَلعَقلُ یهدي وَ ینجي». (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۱۲۴)

را که شامل هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و دین‌شناسی است، پاسخ می‌دهد و هم به تنظیم روابط اخلاقی می‌پردازد و هم ابزارهای رسیدن به اهداف را در اختیار انسان قرار می‌دهد. حیات طیبه اسلامی نیز هدف نهایی این عقلانیت خواهد بود که در آن ماده و معنا، ایمان، معنویت، پیشرفت اقتصادی و شکوفایی اخلاقی و معنوی در آن است، و هدف از انقلاب اسلامی و تشکیل نظام سیاسی، بازتولید این حقیقت برای دنیای اسلام بوده است. ازاین‌رو می‌توان با تکیه بر این قرائت از معنویت و عقلانیت، به همه اهداف مادی و معنوی دست یافت. براساس آنچه در مقاله آمد، رکن اساسی انقلاب اسلامی عقلانیت و در عین حال برخورداری از معنویت است. آن‌گونه که مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم نیز شعار جهانی انقلاب اسلامی را همین دو عنصر معرفی می‌کنند. این دو در رابطه دوسویه معنای خود را در انقلاب اسلامی نمایان می‌سازند.

## منابع و مآخذ


***قرآن کریم.***

۱. ابن‌درید، محمد بن حسن، ۱۹۸۸، ***جمهرة اللغه***، بیروت، دار العلم للملایین.

۲. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، ١٤٠٤ ق، ***تحف العقول***، قم، جامعه مدرسین، چ دوم.

۳. ابن‌شعبه حرانی، حسن بن علی، ۱۳۸۲، ***تحف العقول***، مترجم: احمد جنتی، تهران، مؤسسه امیرکبیر.

٤. ابن‌فارس بن زکریا، احمد، ١٤٠٤ ق، ***معجم مقائیس اللغه***، محقق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.

۵. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، ١٤١٤ ق، ***لسان العرب***، بیروت، دار صادر.

٦. امنلسون، جیمز، ۱۳۹۵، ***روان‌شناسی، دین و معنویت***، ترجمه: مسعود آذربایجانی و امیر قربانی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.

۷. انوری، حسن، ۱۳۸۲، ***فرهنگ بزرگ سخن***، تهران، سخن.

۸. بستانی، فؤادافرام، ۱۳۷۵، ***فرهنگ ابجدی***، مترجم: رضا مهیار، تهران، اسلامی.

۹. بیتس، دانیل، و فرد پلاگ، ۱۳۹۲، ***انسان‌شناسی فرهنگی***، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، علمی.

۱۰. پترسون، مایکل، و دیگران، ۱۳۷۹، ***عقل و اعتقاد دینی***، مترجمان احمد نراقی و ابراهیم سلطانی، تهران، طرح نو.

۱۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، ۱٤۱۰، ***غرر الحکم و درر الکلم***، قم، دارالکتب الاسلامیه.

۱۲. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹ ث، ***تفسیر انسان به انسان***، محقق: محمدحسین الهی زاده، قم، چ ۵، اسراء.

۱۳. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، ***دین‌شناسی***، قم، اسراء.

۱٤. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸٦، ***رحیق مختوم***، محقق: حمید پارسانیا، قم، اسراء.

۱۵. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۷، ***سیره رسول اکرم***ﷺ، محقق: حسن محمدی واعظی، قم، اسراء.

۱٦. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸ الف، ***حق و تکلیف در اسلام***، محقق: مصطفی خلیلی، قم، اسراء.

۱۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸ ب، ***صهبای حج***، محقق: حسن واعظی محمدی، قم، اسراء.

۱۸. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۸ ج، ***نسیم اندیشه دفتر اول***، محقق: سیدمحمود صادقی، قم، اسراء.

۱۹. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹ الف، ***منزلت عقل در هندسه معرفت دینی***، محقق: احمد واعظی، قم، اسراء.

۲۰. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹ ب، ***تسنیم***، محقق: علی اسلامی، قم، اسراء.

۲۱. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۹ پ، ***انتظار بشر از دین***، محقق: محمدرضا مصطفی پور، قم، اسراء.

۲۲. حسینی خامنه‌ای، سید علی، ۱۳۹۲، ***طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن***، گردآوری و تنظیم: صهبا، قم، مؤسسه ایمان جهادی.

۲۳. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ۱۳۹۸، ***تفسیر سوره برائت***، تهران، انقلاب اسلامی.

۲٤. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، ***پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای*** (مد ظله العالی)، https://farsi.khamenei.ir

۲۵. خسروپناه و جمعی از پژوهشگران، عبدالحسین، ۱۳۹۶، ***منظومه فکری آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (نظام بینشی منشی و کنشی)***، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۲٦. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۷، ***لغت دهخدا***، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۲۷. دین پرست، منوچهر، ۱۳۸۷، ***سید حسین نصر دلباخته معنویت***، تهران، کویر.

۲۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱٤۱۲، ***مفردات ألفاظ القرآن***، بیروت، دار القلم.

۲۹. رودگر، محمد جواد، ۱۳۹٦، ***معنویت در گفتمان انقلاب اسلامی (گفتمان علامه طباطبایی، استاد شهید مطهری، امام خمینی، و مقام معظم رهبری)***، تهران، الگوی پیشرفت.

۳۰. ساراسوراتی، بایدیاناس، ۱۳۷٦، «معنویت و قرن بیست و یکم»، ***چشم‌انداز ارتباطات فرهنگی***، ش ۵، ص ۳۸ ـ ۳۹.

۳۱. شاکرنژاد، احمد، ۱۳۹۷، ***تبیین معنویت در فرهنگ و ادب فارسی***، تهران، الگوی پیشرفت.

۳۲. شریف جرجانی، علی بن محمد، ۱٤۰۳، ***کتاب التعریفات***، بیروت، دار الکتب العلمیه.

۳۳. شریف رضی، محمد بن حسین، ۱٤۱٤، ***نهج‌البلاغه*** (للصبحی صالح)، قم، هجرت.

۳٤. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۹۸۱، ***اسفار***، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

۳۵. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، ۱۳۸۳، ***شرح أصول الکافی*** (صدرا)، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

۳٦. صفایی مقدم، مسعود، ۱۳۸۹ و ۱۳۹۰، «مطالعه تحلیلی نهضت معنویت‌گرایی و ارائه رویکردی برای آموزش عالی معنویت‌گرا رویکردی اخلاق بنیان»، ***راهبرد فرهنگ***، ش ۱۲و ۱۳، ص ۱۱۰ ـ ۸۷

۳۷. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۹۰ ق، ***المیزان فی تفسیر القرآن***، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.

۳۸. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۸ الف، ***شیعه در اسلام*** (طبع جدید)، قم، بوستان کتاب، چاپ پنجم.

۳۹. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۸ ب، ***قرآن در اسلام*** (طبع جدید)، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم.

٤۰. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱٤۱٦، ***نهایه الحکمه***، قم،جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، مؤسسه النشر الإسلامی، چ ۱۲.

٤۱. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، ***مجمع البیان فی تفسیر القرآن***، ج ۲، تهران، ناصر خسرو، چ ۳.

٤۲. طریحی، فخر الدین بن محمد، ۱۳۷۵، ***مجمع البحرین***، محقق احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی، چ سوم.

٤۳. غزالی، ابوحامد محمد، بی‌تا، ***المستصفی***، بیروت، دارالفکر.

٤٤. فروند، ژولین، ۱۳٦۸، ***جامعه‌شناسی ماکس وبر***، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، رایزن.

٤۵. فنایی اشکوری، محمد، ۱۳۸٤، ***بحران معرفت: نقد عقلانیت و معنویت تجددگرا***، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

٤٦. فونتانا، دیوید، ۱۳۸۵، ***روان‌شناسی دین و معنویت***، ترجمه الف ساوار، قم، ادیان.

٤۷. قائمی نیا، علیرضا، ۱۳۸۳، «چیستی عقلانیت»، ***فصلنامه ذهن***، ش ۱۷، ص ۱۲ ـ ۳.

۴۸. قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱، ***قاموس قرآن***، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

۴۹. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷، ***الکافی***، محقق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.

۵۰. مطهری، مرتضی، ۱۳۹۰، ***مجموعه آثار***، تهران، صدرا.

۵۱. مظاهری سیف، حمیدرضا، ۱۳۹۳، ***تجربه‌های عرفانی در ادیان***، قم، بوستان کتاب.

۵۲. موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۹، ***صحیفه امام***، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۵۳. نصر، سیدحسین، ۱۳۸۵، ***در جستجوی امر قدسی***، گفتگوی رامین جهانبگلو با سیدحسین نصر، ترجمه سید مصطفی شهرآیینی، تهران، نی.

۵۴. وحید بهبهانی، محمد باقر بن محمد اکمل، ۱۴۲۶، ***حاشیه الوافی***، مصحح: مؤسسه العلامه المجدد الوحید البهبهانی، قم، مؤسسه العلامه المجدّد الوحید البهبهان.

۵۵. هیلنز، جان آر.، ۱۳۸۷، ***ادیان زنده جهان***، ترجمه عبدالرحیم گواهی، قم، بوستان کتاب.

۵۶. الیاده، میرچا، ۱۳۷۵، ***دین پژوهی***، مترجم بهاءالدین خرمشاهی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

57. Geigle, D. ,2012, Workplace Spirituality Empirical Research, ***A Literature Review. Business and Management Review***, vol 2(10), pp 27 _ 14.

58. Gibbons, Paul, 1999, ***Spirituality at work: Definitions, measures, and validity claims***, Birkbeck college, university of London, paul Gibbons. Htm.

59. Seligman, Martin, 2002, ***Authentic happiness***, New York, free press.